

دوفصلنامه علمی- پژوهشی حدیث پژوهی
سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

عبدالله بن ابی رافع و کتاب السنن والاحکام والقضایا^۱

محمد کاظم رحمتی*

◀ چکیده:

در میان تألیفات کهن امامی، کتاب *السنن والاحکام والقضایا* نوشته عبدالله بن ابی رافع، اثر شناخته شده‌ای بوده، و متن کتاب به صورت مستقل تا قرن چهارم و شاید قرن پنجم وجود داشته است؛ با این حال، در جوامع حدیثی موجود امامیه، خاصه کتب اربعه، روایتی از کتاب مذکور نقل نشده و در دیگر کتاب‌های حدیثی امامیه نیز تنها سه روایت که در طریق آن‌ها نام عبدالله آمده، نقل شده است. در نوشتار حاضر، استدلال شده که احتمالاً کتاب وی به واقع، همان کتاب *السنن والاحکام والقضایا* محمد بن قیس بجلی (متوفی ۱۵۱) است، که متن عرضه شده کتاب ابن ابی رافع بر امام باقر علیه السلام و افزوده‌هایی به روایت ایشان بر کتاب مذکور توسط محمد بن قیس بجلی بوده است.

◀ کلیدواژه‌ها:

عبدالله بن ابی رافع، محمد بن قیس بجلی، کتاب *السنن والاحکام والقضایا*.

* استادیار بنیاد دائرة المعارف اسلامی / kazemr112@gmail.com

مقدمه: عالمان امامیه و مسئله وثاقت احادیث

همگام با سنت تدوین احادیث، محدثان و عالمان امامی، با مسئله بررسی اعتبار احادیث تدوین شده و یا نسخه‌های مختلف برخی آثار مواجه بوده‌اند. ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (متوفی ۴۵۰) در مواردی به این گونه نسخه‌ها که تحریرهای آن‌ها با یکدیگر تفاوت داشته با عبارت «له کتاب تختلف الرواة عنه» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۰ و ۳۶۰) و گاه تنها به تفاوت نسخه‌های کتاب مانند «و کتابه تختلف / يختلف الرواية له» (همان، ص ۵۲)، «کتاب تختلف / يختلف روایات» (همان، ص ۵۲)، «له کتاب یرویه جماعة يختلف بروایاتهم» (همان، ص ۲۰۷)، و یا در توصیف نوادر محمد بن ابی عمیر (متوفی ۲۱۷): «فاما نوادر فیه کثیره، لأن الرواة لها کثیره فیهی تختلف باختلافهم...» (همان، ص ۳۲۷) اشاره کرده است. ابن نوح، استاد نجاشی در اشاره به نسخه‌های مختلف کتاب حسین بن سعید که طرق مختلف و متن‌های بسیار مختلفی داشته، متذکر شده که لازم است تا هر نسخه جداگانه روایت شود تا تحریرهای مختلف کتاب با یکدیگر در آمیخته نشود (قال ابن نوح: ... فیجب أن تروی عن کل نسخه من هذا بما رواه صاحبها فقط، و لا تحمل رواية علی رواية و لا نسخه علی نسخه، لئلا يقع فیه اختلاف). (همان، ص ۶۰) به واقع، عالمان امامی به جای بررسی وثاقت تک تک احادیث، به نسخه‌های آثار و راوی آن‌ها توجه خاصی داشته‌اند؛ هر چند وضعیت مذکور تفاوت‌هایی نیز در مراکز مختلف شیعی داشته است؛ برای مثال، محدثان قمی، خاصه مشایخ شیخ صدوق حساسیت خاصی به عالمان واقفی داشته‌اند و آثار حدیثی تدوین شده در عراق را به اسناد واقفی روایت نمی‌کرده‌اند، در حالی که محدثان عراقی روابط گسترده‌ای با عالمان واقفی داشته‌اند.^۲

شیوه فهرستی این گونه بوده که برخی از عالمان امامی که طرق روایت آثار نیز به آن‌ها متبیه می‌شود، آثاری به نام «فهرست» که در آن به ذکر مرویات خود و طرق روایت مکتوبات حدیثی پرداخته بودند، تألیف کرده‌اند و در آن فهرست‌ها، طریق روایت آثار در روایت خود را ذکر کرده‌اند. به واقع، تحریرها و نسخه‌هایی که در فهرس مذکور یاد می‌شده، معتبرترین تحریر از تألیفات حدیثی بوده، و طریق مذکور نیز

معتبرترین طریق روایت آثار مذکور.^۳ همچنین بر اساس برخی شواهد موجود، روایان آثار نیز تنها راویتر صرف نبوده، و گاه برخی از نسخه‌هایی راویان، خاصه کسانی که شاگرد راوی نسخه بوده‌اند، از دیگر نسخه‌ها تفاوت داشته است. نمونه‌ای از این دست، کتاب الحج معاویة بن عمار دهنی است. نسخه‌ای از کتاب الحج وی، در اختیار ابن بطة قمی بوده که در فهرست خود از آن نام برده است. (همان، ص ۴۱۱)

نکات مورد اشاره درباره برخی از آثار امامی به نحو مستدل قابل ارائه است؛ برای مثال، یکی از تحریرهای مشهور نسخه‌های کتاب الحج معاویة بن عمار دهنی، به روایت و تهذیب ابن ابی عمیر بوده است. (ر.ک: آل مکباس، ۱۴۲۸ق، ص ۲۴۸-۲۶۴) بخش اعظم کتاب الحج معاویة در دست است، و بیش از سیصد روایت آن در منابع بعدی امامیه نقل شده (برای فهرست این روایات ر.ک: Modarresi, 2003, v.1, p. 327-329) که برخی روایات کتاب مفصل و در حد چندین صفحه است. (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۲۴۵-۲۴۸) دیگر نسخه متداول کتاب الحج معاویة بن عمار، نسخه صفوان بن یحیی بوده است که ظاهراً تفاوت چندانی با نسخه ابن ابی عمیر نداشته است؛ هرچند مشتمل بر احادیثی بوده که در نسخه ابن ابی عمیر آن احادیث ذکر نشده است. (ر.ک: آل مکباس، ۱۴۲۸ق، ص ۲۴۱-۲۴۵) شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۴۶۳) کتاب الحج معاویة را به طریق فهرست ابن ولید قمی نقل کرده است که مشتمل بر طریق ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی بوده است. کلینی، نسخه ابن ابی عمیر را به روایت علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر در اختیار داشته، و عموماً از آن نقل قول کرده است. (ر.ک: خویی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۴۳۰-۴۳۲) همچنین کلینی، نسخه کتاب الحج معاویة به روایت صفوان بن یحیی را به طریق محمد بن اسماعیل از فضل بن شاذان در اختیار داشته، و عموماً روایات خود را به صورت ترکیب دو طریق ذکر کرده است. (ر.ک: همان، ج ۱۸، ص ۴۳۶ و ۴۳۷)^۴

تحریرهای دیگر نیز از کتاب الحج معاویة بن عمار در میان اصحاب متداول بوده، و روایاتی از آنها نقل شده است. (ر.ک: آل مکباس، ۱۴۲۸ق، ص ۲۳۵-۲۳۸، ۲۴۰-۲۴۱، ۲۴۵-۲۴۶، ۲۴۸ و ۲۶۴-۲۶۵) نسخه‌ای از کتاب الحج معاویة بن عمار دهنی که در

اختیار احمد بن محمد بن خالد برقی بوده، به روایت یحیی بن ابراهیم از پدرش بوده که ظاهراً به دلیل در بر داشتن برخی روایات شاذ و گاه تشبیهی، نسخه‌ای متداول میان اصحاب نبوده است. (برای نمونه‌ای از روایات شاذ تحریر اخیر ر.ک: برقی، ۱۳۳۰ش، ج ۱، ص ۶۶-۶۵) از دیگر نسخه‌های متداول کتاب الحج معاویه، نسخه حماد بن عیسی و فضالة بن ایوب بوده است. (ر.ک: همان، ص ۲۳۸-۲۴۰ و ۲۴۶-۲۴۸) با این حال نسخه‌ها، طرق مختلفی در نقل نیز داشته‌اند که توجه اصلی محدثان بعدی، نقل طریق‌های معتبرتر بوده است.^۵ به تعبیر دیگر، مبنای توثیق حدیث در میان قدمای امامیه علاوه بر توثیق راوی، توثیق کتاب و نسخه و روایت و تدوین آن نیز بوده است. طبعاً در کنار اعتبار داشتن مؤلف کتاب، اهمیت طرق اتصال به مؤلف نیز، ارزش و اعتبار فراوانی داشته است، و اینکه چه کسانی در طریق روایت کتاب بوده‌اند نیز به اعتبار کتاب می‌افزوده، همچنان که نسخه‌ای خاص در میان تحریرهای گاه متفاوت برخی آثار اعتبار ویژه‌ای می‌یافته است. با چنین مبنایی است که توجه جدی در میان امامیه در نگارش فهارس را شاهدیم، و این مطلب، علت ذکر توصیفات فهرستی فراوانی از نسخه‌های اولیه را در دو فهرست مهم باقی‌مانده امامیه یعنی فهرست شیخ طوسی و نجاشی نشان می‌دهد.

از عالمان امامی که می‌دانیم فهرستی از آثاری که در روایت خود تألیف کرده‌اند، می‌توان به سعد بن عبدالله اشعری قمی (متوفی ۲۹۹ یا ۳۰۱)^۶، حمید بن زیاد دهقان کوفی (متوفی ۳۱۰)^۷ که توجه اصلی او، روایت اصول کهن و اولیه امامیه بوده، محمد بن جعفر بن احمد بن بطة قمی^۸ و احمد بن عبدالواحد مشهور به ابن عبیدون (متوفی ۴۲۳)^۹ اشاره کرد. نکته مهم حاصل رویکرد فهرستی، توجه به تحریرهای کتاب و نسخه‌های حدیثی بود، و گاه به نظر می‌رسید که اساساً به دلیل همین نوع نگاه، اثری مورد توجه قرار می‌گرفت، و برعکس اثری دیگر به دلیل عدم ذکر در میان فهارس از سنت روایی امامیه کنار نهاده می‌شده است. طریق روایت آثار نیز اهمیت فراوانی داشته است؛ گاه نسخه‌ای از یک کتاب که توسط یکی از اصحاب ائمه پیشین تدوین شده بود، توسط اصحاب ائمه بعدی در اختیار امام قرار می‌گرفت، و نسخه‌ای که امام اصلاح می‌کرد،

جایگزین اثر پیشین می‌شد و به دلیل جایگاه محوری امام، طبیعی بود که در نسخه جدید، طریق روایت نسخه نیز تغییر می‌یافت، و نسخه به خود امامی که کتاب بر او عرضه شده بود، نسبت داده می‌شد. این مطلب را می‌توان درباره کتاب السنن والاحكام و القضايا عبيدالله بن ابی رافع نشان داد، و علت عدم وجود روایت از کتاب مذکور را با سلسله اسنادی که نام عبيدالله در آن باشد، توضیح داد.

عبيدالله بن ابی رافع

عبيدالله بن ابی رافع صحابی و کاتب علی عليه السلام، یکی از یاران مشهور آن حضرت است که در دوران حکومت ایشان، یکی از کارگزاران حکومتی بوده است. وی فرزند ابورافع، غلام آزاد شده و مولی پیامبر صلی الله علیه و آله، و مادرش سلمی است و بر اساس همان سنت متداول در میان اعراب در ذکر پدران موالی، به دلیل مشخص نبودن تبار آن‌ها، تنها نام پدرش در منابع ذکر شده است. (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۷۳-۷۵ و ج ۸، ص ۲۲۷/ ابن قتیبه، ۱۹۸۱م، ص ۱۴۵) درباره تاریخ تولد او اطلاع مشخصی در منابع نیامده، و تنها بر اساس آنکه از همان آغاز خلافت امام علی عليه السلام به عنوان کاتب، همواره در خدمت آن حضرت بوده (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۷۴ و ج ۵، ص ۲۸۲/ کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۳۷۱/ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۰۶ و ۳۰۷) و نامه‌های حضرت را کتابت می‌کرده (ابن شعبه حرانی، ص ۱۷۶/ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵-۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۸۳ و ج ۶، ص ۵۹/ Modarresi, 2003, v.1, p. 25-26) حداقل سنی که برای انجام چنین کاری می‌توان تصور کرد، یعنی حدود بیست سال بوده، احتمالاً حوالی سال‌های پانزده یا کمی پیش از آن به دنیا آمده است.^۱ همان گونه که گفته شد، ابورافع در دوران حکومت امیرالمؤمنین عليه السلام نقش مهمی داشته و پیوسته همراه ایشان بوده و در نبردهای مختلف حضور داشته است. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵) برقی (۱۳۴۲ش، ص ۴) نام او را در جمله اصحاب خواص حضرت امیر ذکر کرده، و به خطا او را مُضَری معرفی کرده، حال آنکه ابورافع در اصل، فردی قُبَطی بوده است مگر آنکه تعبیر مضری، تصحیفی از مضری باشد که به واسطه خطا در تصحیح کتاب برقی رخ داده باشد، و در

متن اصلی کتاب برقی مصری که اشاره‌ای به اصل قبطنی ابورافع است، آمده باشد. (Modarresi, 2003, v.1, p. 22) وی پس از شهادت امام علی (ع) همچنان کاتب امام حسن (ع) باقی ماند، و پس از کناره‌گیری امام حسن (ع) از خلافت همراه با آن حضرت به مدینه بازگشت، و ظاهراً تا آخر عمر خود در مدینه باقی ماند، و به همین سبب به مدنی نیز شهرت یافت. (مزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۹، ص ۳۴) وی از پدرش، علی بن ابیطالب (ع) و ابوهزیره، نقل حدیث کرده، و از او امام باقر (ع) و کسان دیگری سماع حدیث کرده‌اند. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵/ مزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۹، ص ۳۴-۳۵) او در منابع رجال سنی و شیعه توثیق شده است. (برای نمونه رک: ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۸۲/ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵/ مزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۹، ص ۳۵/ شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۵۶-۵۷)

برادر عبیدالله، علی، صاحب فرزندی به نام‌های عبدالله و حسن است که گاه شرح حال آن‌ها با فرزندان و نوادگان عبیدالله در هم آمیخته است. (برای شرح حال مختصری از خاندان ابورافع رک: شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۱۲، ص ۳۷۱-۳۷۲) علی نیز کاتب و عهده‌دار بیت‌المال حضرت نیز بوده (سید مرتضی، ۱۴۰۶ق، ص ۷۹) و ماجرای مشهور امانت گرفتن جواهری از بیت‌المال توسط ام کلثوم، توسط او نقل شده است. (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵۱-۱۵۲/ شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۳۰ و ج ۷، ص ۲۸۰ قس نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۶ که خبر مذکور را به نقل از عبیدالله بن ابی‌رافع نقل کرده است.) خاندان ابورافع به دلیل روابط نزدیکی که با پیامبر (ص) داشته‌اند، یکی از منابع مهم برای اطلاع از سیره ایشان بوده، و همواره مورد پرس‌وجوی دیگران بوده‌اند. (Modarresi, 2003, v.1, p. 22, no. 82) همچنین خاندان ابورافع به سبب ولای عتق، همواره خود را موالی پیامبر (ص) و خاندان او معرفی می‌کرده‌اند (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۸۲/ کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۳۳۹/ شیخ طوسی^۳، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۷/ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵) و گرایش شیعی در میان آن‌ها مشهود است. (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲/ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵/ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵-۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۱۰۷)

کتاب السنن و الاحکام و القضایای عبدالله بن ابی رافع

شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۳۰۶) در ذیل شرح حال عبدالله بن ابی رافع، از آثارش به کتابی با عنوان *قضایا امیر المؤمنین* اشاره کرده، و طریق خود را در روایت کتاب مذکور ذکر کرده است. نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۶) عنوان کتاب را *السنن و الاحکام و القضایا* ذکر کرده و به تفصیل فراوانی از اثر اخیر سخن گفته است که خود نشان دهنده جایگاه کتاب در سنت روایی شیعیان به نحو عام است. دو عنوان متفاوت در معرفی اثر مذکور، این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که آیا دلیل خاصی وجود داشته که شیخ طوسی، عنوان کتاب را *القضایا* ذکر کرده و نجاشی عنوان تفصیلی‌تری آورده است؟ هر چند شیخ طوسی، آغاز کتاب را به صورت روشنی نقل نکرده، به نظر می‌رسد که متن مورد اشاره او، بخشی از همان متن مورد اشاره نجاشی باشد که به دلیل شهرت کتاب *القضایا* بخش مذکور به صورت جداگانه نیز روایت می‌شده، و مبنای اصلی نگارش چندین کتاب دیگر درباره قضاوت‌های امیر المؤمنین علیه السلام بوده است.^{۱۴} یک احتمال، آن است که ذکر عنوان کتاب به عنوان کتاب *القضایا* از باب شهرت یافتن بیشتر کتاب به نام اخیر که تنها ناظر به بخشی از کتاب بوده است، باشد. در هر حال کتاب، *القضایا* بخشی از همان کتاب *السنن و الاحکام و القضایا* است که نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۶) به عنوان اثر تألیفی ابورافع یاد کرده است. گفتنی است که بخشی از سند روایت نجاشی در نقل کتاب مذکور با سند شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۳۰۶) یکسان است. کتاب با توصیفی درباره نماز پیامبر یا امیر المؤمنین علیه السلام آغاز می‌شده و آخرین فصل کتاب مربوط به قضایای امیر المؤمنین علیه السلام بوده است.

نجاشی، آغاز کتاب را در یک تحریر متداول کتاب که به روایت ابن عقده (متوفی ۳۳۳) بوده، چنین نقل کرده است: «... عن علی بن ابيطالب عليه السلام أنه كان إذا صلى قال في أول الصلاة ... و ذكر الكتاب إلى آخره باباً باباً الصلاة و الصيام و الحج و الزكاة و القضاء.» (۱۴۰۷ق، ص ۶) نجاشی اشاره کرده که کتاب مذکور، سلسله سند روایت دیگری داشته که آن نیز در میان اصحاب کوفی متداول بوده و طریق مذکور را آورده است (و روی هذه النسخة من الكوفيين أيضاً زيد بن محمد بن جعفر بن المبارك يعرف

بابن أبی الیابس عن الحسین بن الحکم الحبری قال: حدثنا حسن بن حسین باسناده). نکته جالب توجه آن است که طریقی که نجاشی ذکر کرده، ظاهراً طریقی زیدی است. سوای آنکه طریق نجاشی به تحریر اخیر به صورت وجاده است و این مطلب، نشانگر آن است که محدثان امامیه به تحریر مذکور توجهی نداشته‌اند، نسخه مذکور به روایت زید بن محمد بن جعفر بن مبارک کوفی مشهور به ابن ابی الیابس (متوفی ۳۴۱)^{۱۵} است که کتاب را از حسین بن حکم حبري (متوفی ۲۸۱)، عالم و محدث نامور زیدی کوفه سماع کرده است. نجاشی به نقل از مشایخ خود (ذکر شیوخنا) اشاره دارد که تفاوت اندکی میان دو نسخه کوفی کتاب السنن وجود داشته؛ هر چند تحریر نخست که به تعبیر نسخه روایت شده ابوالعباس ابن عقده شناخته می‌شده، کامل‌تر بوده است. (همان‌جا)

اطلاعات نجاشی درباره ابورافع و فرزندان کمی آشفته است و البته این اشکال ممکن است نه از سوی نجاشی، بلکه به واسطه اشکال در کتابت و استنساخ نسخه‌ای از فهرست نجاشی رخ داده باشد (شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۵۷)؛ هر چند به نظر می‌رسد اشکالات مذکور به واسطه منبع نجاشی، یعنی کتاب *التاریخ و ذکر من روی الحدیث* ابن عقده باشد که منبع اصلی نجاشی در نقل بخش اعظمی از مطالب درباره ابورافع و خاندان او بوده است. شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۶۸) از اثر اخیر با عنوان کمی متفاوت کتاب *التاریخ (و ذکر من روی الحدیث من الناس کلهم العامة و الشیعة و أخبارهم)* یاد کرده، و متذکر شده که ابن عقده، بخش مفصلی از کتاب مذکور را تألیف کرده، اما موفق به اتمام آن نشده است. نجاشی، اثر اخیر را به طریق متصل به ابن عقده در اختیار داشته، و شرح حال ابورافع و فرزندان او را با تصریح به نام از آن نقل کرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۷-۴)^{۱۶} احتمالاً جایی که نجاشی (همان، ص ۶) از کتاب السنن به عنوان تألیف ابورافع سخن گفته، در اصل نسخه نجاشی، سخن از ابن ابی رافع بوده باشد، زیرا نجاشی پس از ذکر کتاب السنن و بیان طرق روایت آن، گفته و برای ابن ابی رافع کتاب دیگری نیز ذکر شده، که می‌تواند قرینه‌ای باشد که در قبل نیز وی در حقیقت کتاب ابن ابی رافع یعنی عبیدالله بن ابی رافع را معرفی کرده است (نیز ر.ک:

شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ هرچند شوشتری (همان، ج ۷، ص ۲۷۹) معتقد است که معنای گفته نجاشی آن است که همان گونه که ابورافع کتابی داشته، فرزندش نیز کتابی داشته است. با این حال، این نکته نیز مسلم است که منبعی که نجاشی برای شرح حال عبداللہ از آن بهره برده، تصویر روشنی از عبداللہ نداشته، زیرا نجاشی به جای عبداللہ بن ابی رافع، علی بن ابی رافع دیگر فرزند ابورافع را معرفی کرده، و او را کاتب حضرت معرفی کرده، و گفته که وی کتابی در فقه وضو، نماز و دیگر ابواب فقهی تدوین کرده که به وضوح توصیف دیگری از همان کتاب السنن است. (ر.ک: همان، ج ۷، ص ۵۷ و ۲۷۹-۲۸۰) ظاهراً آشفتگی‌های مذکور در اسناد کتاب السنن در همان دوران شایع بوده، و گاه کتاب عبداللہ به روایت وی و برادرش نیز محل استناد بوده است.^{۱۷}

نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۶-۷) در ادامه مطالب خود درباره عبداللہ که به نقل از کتاب *التاریخ ابن عقده* است، طریق خود در روایت تحریر اخیر را که در میان علویان مدینه رواج داشته، و در میان کوفیان نیز شناخته شده بوده، نقل کرده است. آغاز نسخه مذکور نیز با توصیف نماز علی علیه السلام با تفاوتی اندک از نسخه دیگر کتاب السنن که نجاشی معرفی کرده، آغاز می‌شده است.^{۱۸} سلسله سند مذکور، افتادگی نیز داشته (نیز حر عاملی، ۱۴۰۹-۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۴۹-۴۵۰ همین سلسله سند را نقل کرده، اما متذکر افتادگی آن نشده است) و ابو محمد عبدالرحمن بن محمد بن عبداللہ بن ابی رافع به خطا به عنوان کاتب علی علیه السلام و راوی کتاب معرفی شده است. به واقع، او کتاب را از پدرش محمد بن عبداللہ از جدش عبداللہ بن ابی رافع روایت کرده است. (Modarresi, 2003, v.1, p. 28, no. 91) هرچند محتمل است که اشکال اخیر نیز بعدها و در استنساخ کتاب فهرست نجاشی رخ داده باشد. تحریری از کتاب السنن عبداللہ در میان علویان مدینه، خاصه علویان زیدی و سادات حسنی رواج داشته است.^{۱۹} روایت کتاب توسط عبداللہ بن حسن که از چهره‌های برجسته سادات حسنی مدینه بوده، بر شهرت کتاب نیز افزوده است. علویان مدینه، کتاب عبداللہ را که مشتمل بر یک دوره فقه بوده است، به فرزندان خود تعلیم می‌داده‌اند. (نجاشی،

۱۴۰۷ (ص ۷) عبدالله بن حسن، زمانی که فردی دربارهٔ تشهد از او مطلبی پرسیده بود، برای پاسخ دادن به پرسش او گفته بود تا کتاب عبیدالله بن ابی رافع را نزدش بیاورند، و از روی آن کتاب پاسخ داده بود. عمر بن محمد بن عمر بن علی بن حسین، کتاب مذکور را به سلسله سند دیگری که نام عبیدالله بن ابی رافع در آن نیست، به طریقی به نقل از پدرانش به خود امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده که از تحریر وی، دو نسخه در دست بوده که تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر در متن و سلسله سند داشته‌اند. روایت آغازین کتاب که در منابع اهل سنت به کرات نقل شده، با توصیف نماز پیامبر آغاز شده است. کتاب ابورافع در قرن چهارم و پنجم، ظاهراً به نام کتاب قضایا امیرالمؤمنین علیه السلام شهرت داشته است.

کتاب عبیدالله بن ابی رافع در میان زیدیان (ر.ک: همان، ص ۷) و اسماعیلیان نیز شناخته شده بوده، و قاضی نعمان مغربی (متوفی ۳۶۳) از کتاب مذکور به عنوان یکی از منابع خود در تألیف کتاب *الایضاح* استفاده کرده است.^{۲۰} و گاه به واسطهٔ آثاری که عالم زیدی، محمد بن سلام بن سیار کوفی روایت کرده، از کتاب مذکور نقل قول کرده است. همچنین عالم نامدار زیدی، ابوالعباس حسنی (متوفی ۳۵۶) نیز در کتاب *شرح الاحکام* (شرحی بر کتاب *الاحکام فی الحلال و الحرام* تألیف الهادی الی الحق، عالم و فقیه زیدی درگذشته به سال ۲۹۸) روایاتی از کتاب عبیدالله بن ابی رافع، که او متن آن را نزد ابوزید عیسی بن محمد علوی (متوفی ۳۲۲) عالم و محدث نامور زیدی ساکن در ری خوانده است، به روایت حسین بن حکم حبری از حسن بن حسین غرنی از علی بن قاسم کندی از محمد بن عبیدالله بن علی بن ابی رافع از پدرش از جدش که همان طریق مذکور توسط نجاشی است، نقل کرده است.^{۲۱} بررسی مطالب مندرج در طرق روایت کتاب عبیدالله بن ابی رافع، نشان‌دهندهٔ نبود سلسله اسنادی است که نشانگر نقل از کتاب وی در سنت امامیه باشد، و این مطلب با توجه به شهرت کتاب، امر غریبی است.^{۲۲} پرسشی که اکنون قابل طرح است، آن است که چرا محدثان امامی، توجهی به نقل و روایت کتاب *السنن و الاحکام و التقضای* عبیدالله بن ابی رافع نداشته‌اند؟^{۲۳}

از محدثان مشهور امامی کوفه در قرن دوم، محمد بن قیس بَجَلی است. مطالب چندانی درباره سال‌های آغازین حیات وی دانسته نیست، تنها بر اساس آنکه گفته شده از امام باقر علیه السلام (متوفی ۱۱۴ یا ۱۱۷) نقل روایت کرده، تاریخ تولد او را می‌توان حدود سال‌های ۸۰ تا ۸۵ هجری دانست. (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۳) وی از قبیله بجيله از تیره‌های قبیله همدان است که پس از تأسیس کوفه در آن شهر سکنی گزیده بودند. سماع حدیث از امام باقر علیه السلام همچنین دلالت دارد که وی یک چندی در مدینه ساکن بوده است. از شهرت او به کوفی می‌توان دریافت که او اغلب عمر خود را در شهر کوفه به سر برده است. وی همچنین از امام صادق علیه السلام نیز نقل روایت کرده است. (همان، ص ۳۲۳) به نوشته شیخ طوسی (۱۴۱۵ق، ص ۲۹۳) محمد بن قیس بجلی در سال ۱۵۱ درگذشته است. شیخ مفید (۱۴۱۴ق، ص ۹) او را از جمله فقهای اصحاب که هیچ طعنی درباره آن‌ها نقل نشده، یاد کرده است.

محمد بن قیس و كتاب القضایای او

شهرت اصلی او به دلیل نگارش کتابی با عنوان *قضایا امیرالمؤمنین علیه السلام* بوده که در آن، وی اخبار مربوط به قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام را گردآوری کرده است. (Modarresi, v.1, p.346) تحریرهای مشهور کتاب او به روایت عاصم بن حمید حنّاط، یوسف بن عقیل و فرزندش عبید بوده (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۲۳)، هر چند تحریر متداول‌تر میان محدثان امامی، تحریر عاصم بن حمید بوده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۸۷)^{۲۴} و در میان واقفیان کوفه تحریر اخیر روایت می‌شده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۲۳) نجاشی (همان‌جا) طریق دیگری در روایت کتاب بجلی ذکر کرده که منتهی به عاصم است، اما در میان سلسله سند روایت، نامی از رجال واقفی نیست. تحریر کتاب به روایت عبید، در میان زیدیان کوفه نیز تداول داشته و عباد بن یعقوب رواجی (متوفی ۲۵۰) عالم و محدث نامور زیدی کوفه آن را روایت کرده است. طوسی در شرح حال عبید بن محمد بجلی گفته که عبید کتابی داشته که آن را از پدرش روایت می‌کرده است. در ادامه، طریق روایت خود به کتاب مذکور را ذکر کرده و آغاز آن را چنین نقل

کرده است: «... أخبرنا عبيد بن محمد ابن قيس البجلي، عن أبيه، قال: عرضنا هذا الكتاب على أبي جعفر محمد ابن علي بن الحسين عليه السلام، فقال: هذا قول علي بن أبي طالب عليه السلام، إنه كان يقول: إذا صلى قال في أول الصلاة... و ذكر الكتاب.» (۱۴۲۰، ص ۳۰۸-۳۰۹)

آغاز مذکور با آغاز کتاب قضایا امیرالمؤمنین علیه السلام عیدالله بن ابی رافع یکی است. (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۶) مطالب اخیر دلالت دارد که کتابی که عید روایت کرده، همان کتاب السنن و الاحکام و القضا یا امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است. همچنین نشان دهنده آن است که محمد بن قیس، نسخه‌ای از کتاب عیدالله بن ابی رافع را که در میان علویان مدینه شهرت فراوانی داشته (همان، ص ۷) و مورد تأیید امام باقر علیه السلام نیز قرار گرفته، اساس نگارش کتاب خود قرار داده، و احادیثی از امام باقر علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام را بر کتاب افزوده است. بعدها عبدالرحمن بن ابی نجران که خود یکی از راویان کتاب قضایا محمد بن قیس بوده، نیز مطالبی بر کتاب افزوده، و تحریری دیگر از همان کتاب را ارائه کرده بود (همان، ص ۲۳۵) که تحریر اخیر در میان روات قمی و بغدادی تداول داشته است. (همان، ص ۳۲۳) عباد بن یعقوب نیز در تألیف کتاب قضایا (برای نقل از کتاب مذکور رواجی ر.ک: مغربی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۱، ۳۲ و ۴۲) خود از کتاب محمد بن قیس به روایت فرزندش عید بهره گرفته است (ر.ک: همان، ص ۴۲، ۹۰-۹۱، ۹۵، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳ و ۱۴۳) و قاضی نعمان مغربی در تألیف کتاب الايضاح، مطالبی را از کتاب محمد بن قیس به واسطه کتاب قضایای رواجی نقل کرده است. (ر.ک: همان، ص ۴۲، ۹۰-۹۱، ۹۵، ۱۲۰، ۱۲۲ و ۱۴۳)

روایات فراوانی از کتاب القضا یا محمد بن قیس بجلی در میان کتب حدیثی امامیه پراکنده است که عمدتاً به روایت عاصم بن حمید است (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۱۴۴، ۲۰۶ و ۲۰۸-۲۰۷؛ ج ۷، ص ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۲۳ و ۳۰۷ ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۹-۲۰) و بیشتر این نقل‌ها در کتاب مسند محمد بن قیس البجلي تألیف بشیر محمدی مازندارنی (قم: مرکز العالمی لدارسات الاسلامیه، ۱۴۰۹ق) آمده است.^{۲۵} نسخه‌ای از کتاب قضایا امیرالمؤمنین محمد بن قیس به روایت عبدالرحمن بن ابی نجران که مشتمل بر زیادات او بر کتاب بوده، توسط ابراهیم بن هاشم به قم برده

شده، و شیخ صدوق (۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۵۳۶-۵۳۷) اثر مذکور را با تصریح به نام آن به همین طریق از پدرش و محمد بن حسن بن ولید شیخ قمیان و طریق آن‌ها به ابراهیم ابن هاشم روایت کرده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق، ص ۵۸۷-۵۸۸)^{۲۶}

در صورتی که حدس اخیر درست باشد، علت عدم توجه و نبود روایتی را که در سلسله سند آن نام عبدالله بن ابی رافع آمده باشد، می‌توان دریافت و توضیح داد. در حقیقت از آنجا که تحریری تأیید شده از کتاب ابن ابی رافع توسط امام باقر (ع) توسط محمد بن قیس بجلی روایت شده، عالمان و محدثان امامی تحریر تدوین شده ابن ابی رافع را کنار نهاده، و تحریر بجلی را بر آن ترجیح داده‌اند. عدم ذکر نام عبدالله در سلسله سند روایت اخیر نیز کاملاً مشخص است، زیرا از نظر عالمان امامی، اتصال روایت کتاب مذکور به نقل از امام باقر (ع) است، و نیازی به اتصال سند به امام علی (ع) ندارد. مطلب اخیر به وضوح، تأیید کننده این نظر است که عالمان و محدثان امامی به دلیل نگرش فهرستی خود، از میان تحریرهای مختلف کتاب، تحریری را که معتبرتر بوده، انتخاب می‌کرده‌اند و مؤلفان فهرس نیز توجه مهمی به طریق و تحریرهای معتبر آثار روایی داشته‌اند. نبود روایتی از کتاب السنن والاحکام والقضایا عبدالله بن ابی رافع به احتمال قوی، متأثر از نگاه فهرستی عالمان امامی بوده است.^{۲۷}

نمونه‌ای دیگر از چنین رویکردی در میان اصحاب فهرس امامی، کتابی از محمد بن مسلم (متوفی ۱۵۰) است. در فهرس امامیه، کتابی با عنوان اربع مائة مسألة فی أبواب الحلال و الحرام به وی نسبت داده شده است. مدرسی طباطبایی در معرفی کتاب اربع مائة مسألة محمد بن مسلم اشاره کرده که خطیب بغدادی متن کتاب را که یک جزء توصیف کرده (کراسه)، به طریق متصل به حریر بن عبدالله سجستانی در دست داشته است. خطیب بغدادی در ذیل شرح حال حریر بن عبدالله ازدی سجستانی نوشته است: «حریر بن عبدالله الأزدي السجستاني؛ شیخ من شیوخ الشيعة. روی عن زرارة بن أعين، و محمد بن مسلم الثقفي. حدث عنه: صفوان، و عبدالله بن عبد الرحمن الأصم. أنا علي بن أبي علي المعدل، نا أبو بكر أحمد بن عبدالله الدوري^{۲۸}، نا أبو سليمان أحمد بن نصر بن

سعید و يعرف بابن هراسه، قدم علينا من نهران، نا إبراهيم بن إسحاق الأحمری، عن محمد بن الحسن ابن شَمُون البصری، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن حریز بن عبدالله السجستانی، عن محمد بن مسلم عن أبي عبدالله جعفر بن محمد و عن القاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد، عن جده الحسن بن راشد، عن أبي نصیر (که باید اُبی بصیر باشد)، عن أبي عبدالله قال: إن أمير المؤمنين - یعنی علی بن ابیطالب^{۲۹} - علم أصحابه أربع مائة كلمة مما يصلح للمرء في دينه و دنياه و ساق الأبواب كلها في السنن و الأداب مقدار جزء کامل.» (۱۹۸۵، ج ۱، ص ۴۹۴)

متنی که خطیب بغدادی آغاز آن را نقل کرده، همان متنی است که شیخ صدوق در کتاب *الخصال* خود، روایت کامل آن را آورده، و در دیگر آثار خود، بخش‌هایی از آن را نقل کرده است. این شاهد به صراحت تردیدی را که خدائامیان آرائی در باب یکی بودن کتاب *اربع مائة مسألة محمد بن مسلم* با کتاب *أدب أمير المؤمنين* به روایت قاسم بن یحیی راشدی بیان کرده‌اند، منتفی می‌کند. نکته مهم و جالب دیگری که سلسله اسناد نقل کرده خطیب در بر دارد، طریقی است که او ذکر کرده که البته در سنت امامیه و البته بهتر است بگوییم اصحاب فهارس امامیه، مورد توجه نبوده است که دلیل آن نیز مشخص است، افراد مذکور در طریق روایت نسخه، ابراهیم بن اسحاق احمری و محمد بن حسن بن شمون بصری به سنتی از جریان‌های فکری خاص امامیه تعلق دارند، و طبیعی است که اصحاب فهارس کتاب را به طرق دیگر بی‌اشکال آن روایت کرده، و در فهارس خود ثبت کرده باشند. در حقیقت، توجه خاص اصحاب فهارس و طریق‌های ارائه شده در دو کتاب *الفهرست* شیخ طوسی و *نجاشی* و بخش *مشيخة من لا يحضره الفقيه* شیخ صدوق، طرق‌های عالی روایت‌های آثار کهن امامیه است؛ هرچند طریق‌های دیگری نیز در روایت آثار مذکور موجود بوده است.

نتیجه گیری

بررسی موردی کتاب *السنن و الاحکام و القضاء* عیبدالله بن ابی‌رافع، یکی از شیوه‌های تدوین احادیث در سنت امامیه را نشان می‌دهد، در حالی که کتاب عیبدالله بن ابی‌رافع،

اثری شناخته شده در سنت عام شیعیان بوده، نبود سلسله سندی که نام عبيدالله در آن آمده باشد، علت خاصی دارد. به واقع، نسخه‌ای از کتاب او توسط محمد بن قیس بجلی بر امام باقر علیه السلام عرضه شده و پس از تأیید امام، محمد بن قیس بجلی، اثر مذکور را با حذف نام عبيدالله به نحو مستقیم از امام باقر علیه السلام از امام علی علیه السلام روایت کرده است، در حالی که در میان اهل سنت حذف اسناد به این نحو موجب تضعیف اثر می‌شود، در سنت شیعی چنین امری به اعتبار اثر می‌افزاید.^{۳۰} احتمالاً به دلیل آنکه محدثان امامی به این عمل واقف بوده‌اند، تحریر اخیر را به نسبت خود تحریر عبيدالله بن ابی رافع، صحیح‌تر می‌دانسته‌اند، و به همین سبب به نقل از تحریر اخیر اکتفا کرده، و از تحریر عبيدالله بن ابی رافع- که نام وی در سلسله سند آن آمده است- نقل نکرده‌اند.



پی‌نوشت‌ها:

۱. در تألیف مقاله حاضر، از درس گفتارهای آیت‌الله سید احمد مددی- دام‌ظله- (جلسه چهاردهم) موجود در مؤسسه کتابشناسی شیعه استفاده شده است؛ هرچند مسئولیت مطالب بیان شده، از نویسنده مقاله است. از دوست گرامی جناب آقای حمید باقری دانشجوی دکتری علوم حدیث دانشگاه تهران نیز که از سر لطف نوشتار حاضر را خوانده و نکاتی را متذکر شدند، صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین این نکته را متذکر می‌شوم که بسیاری از مبانی که در مقاله حاضر، آن‌ها را بدیهی فرض کرده‌ام، توسط برخی از قداما از جمله شیخ حسن صاحب معالم در *مفتی الجمان* و شیخ بهایی در *مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین* بیان شده است. از عالمان معاصر شیعی نیز، مرحوم آیت‌الله سید محمدعلی موحد ابطحی- طاب ثراه- (خاصه در کتاب *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال*) و آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی- دام‌عزه- این مبانی را در برخی مکتوبات و درس‌های شفاهی خود بیان کرده‌اند.

۲. تفصیل و اهمیت این مسئله در مقاله‌ای جداگانه با عنوان «عالمان امامی و میراث واقفه» مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. از فهرس مهم که قبل از فهرست شیخ طوسی و نجاشی تألیف شده است، فهرست ابن بطه قمی و فهرست ابن عبدون اهمیت خاصی دارند. ابن ماکولا (۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۲۹۴) نسخه‌ای کهن از فهرست ابن عبدون به خط احمد بن محمد وتار با تاریخ کتابت ۴۱۴ را دیده، و محتمل

است که اساساً فهرست شیخ طوسی مبتنی بر آن فهرست باشد (خاصه در صورتی که این فرض را بپذیریم که فهرست شیخ در واقع، فهرستی کهن تر است که شیخ تغییراتی در آن اعمال کرده است). برخی نقل قول‌های شیخ طوسی از فهرست ابن عبدون، سبک و سیاق اصلی کتاب او را نشان می‌دهد. (برای نمونه ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸ و ۴۲/ شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۳-۱۴، ۲۸۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۲، ۳۴۳، ۳۴۹، ۳۸۱، ۳۹۳ و ۴۲۴)

۴. محمد عیسی آل مکباس (۱۴۲۹ق، ص ۱۵۳-۲۱۴) تمام روایات کتاب الحج معاویه را در روایات امامیه بدون توجه به تحریرهای مختلف و تفاوت نسخه‌های آن، گردآوری و تنظیم کرده است. وجود تحریرهای متفاوت از آثار در سده‌های نخستین که عموماً نشئت گرفته از تفاوت نسخه‌های متن تدوین شده توسط شاگردان و یا شاگردان شاگردان آن‌ها بوده است، به تفصیل توسط کنراد تاسرون (Conrad, 1993, p. 258-263) درباره سیره ابن اسحاق مورد بحث قرار گرفته است. لندو (Ella Landau-Tasserion) نیز از اهمیت تفاوت نسخه‌ها و نقش شاگردان به نحو عام‌تری سخن گفته است. (2004, p. 45-91) موضوع شکل‌گیری تصانیف در قرون اولیه اسلامی توسط شوئلر با دقت کاملی در دانش‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته است. (ر.ک: Schoeler, 2009)

۵. نجاشی درباره برخی از آثار کهن امامی به کثرت طرق آن‌ها در میان اصحاب اشاره کرده، و گاه متذکر شده که وی تنها از میان طرق مختلف تنها یک طریق را که به نظر وی، معتبرترین طریق از میان طرق مذکور بوده، نقل کرده است. (۱۴۰۷ق، ص ۴۹، ۶۱، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۵۹، ۲۱۵ و ۲۲۲) تعدد طریق‌ها عموماً درباره متن‌هایی بوده که میان اصحاب، تداول گسترده‌ای داشته‌اند و طبعاً طریق‌های مختلف اعتبار یکسانی نداشته‌اند، و در سلسله سند آن‌ها عموماً رجالی که تضعیف شمرده شده و به جریان‌های خاصی در میان اصحاب شهرت داشته‌اند، بوده‌اند که فهرست‌نویسان از ذکر آن‌ها خودداری می‌کرده‌اند. نمونه‌ای مهم از این طریق ضعیف در روایت متنی موثق، طریق روایت کتاب اربع مائة مسألة فی ابواب الحلال و الحرام محمد بن مسلم است که نسخه‌ای با طریق خاص از آن در اختیار خطیب بغدادی (۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۴۹۴) بوده، اما به دلیل وجود نام برخی روات ضعیف امامی هیچ‌گاه از آن طریق در متون بعدی امامیه، مطلبی نقل نشده است.

۶. درباره او ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۱۶-۲۱۵/ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۷. درباره او ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۵/ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۲.

۸. درباره او ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۷۲-۳۷۳.

۹. درباره او ر.ک: ابن ماکولا، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۴ (که نسخه ای از فهرست ابن عبدون را به خط احمد بن محمد غزال مشهور به ابن وتار، متوفی ۴۲۹، با تاریخ کتابت ۴۱۴ و در توصیف آن گفته: «و رأیت له فهرستاً بخط أحمد بن محمد الوتار بما سمعه و هو شیء کثیر...».) (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۷.

۱۰. با این حال، بر اساس روایات دیگری که گفته شده علی علیه السلام پس از درگذشت ابورافع، عهده دار سرپرستی فرزندان وی شده است (برای برخی منابع کهن خبر مذکور ر.ک: Modarresi, vol.1, p.22, no.83) و تا هنگام سن بلوغ زکات اموال آنها را پرداخت می کرده، تاریخ تولد عبيدالله پیش تر از زمان مذکور باید باشد. (همان، ج ۱، ص ۲۳) آشفتگی و تناقض میان اخبار به گونه ای نیست که بتوان در این خصوص به نظر روشنی رسید. (ر.ک: شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۲) با این حال، نکته مهمی که در این میان از نظرها دور مانده است، عقیده متداول در میان فقیهان امامی است که از دیرباز تأکید کرده اند که یکی از شروط پرداخت زکات، بلوغ است و بر این اساس، روایاتی که در آنها ادعا شده امام زکات اموال آنها را تا هنگام بلوغ پرداخت می کرده، احتمالاً از ساخته های عثمانیه برای تخریب شخصیت امام علی علیه السلام بوده است.

۱۱. درباره تاریخ درگذشت ابورافع، در منابع اختلافاتی به چشم می خورد. ابن سعد (۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۷۵) بدون اشاره به تاریخ دقیقی، تنها از درگذشت ابورافع در مدینه، پس از قتل عثمان یعنی سال ۳۵ سخن گفته است.

۱۲. ابن قتیبه (۱۹۸۱م، ص ۱۴۵) نقل کرده که در دوران امارت عمرو بن سعید بن عاص، عبيدالله در پاسخ به پرسش والی اموی مدینه که از او پرسیده بود مولی کیست، پاسخ داده بود که مولی رسول الله است و والی دستور داد تا عبيدالله را شلاق بزنند و پس از تحمل یکصد ضربه شلاق به شفاعت برادرش او را رها کردند.

۱۳. شیخ طوسی از نواده عبيدالله با عنوان موالی یاد کرده که اشاره به ولای او نسبت به اهل بیت علیهم السلام است.

۱۴. به احتمال قوی، کتاب /تفضایای ابراهیم بن هاشم قمی، در اصل، مبتنی بر بخش اخیر کتاب عبيدالله بن ابی رافع بوده است. (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۶) همین احتمال درباره کتاب /تفضایای امیرالمؤمنین عبدالله بن احمد بن عامر طائی نیز قابل طرح است. (ر.ک: همان، ص ۲۲۹) با این حال، به دلیل عدم نقل از آثار مذکور در کتب اربعه، امکان بررسی احتمال مذکور عملی نیست.

همچنین ر.ک: حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳۸ (و قد روی هذا الكتاب جمع من أصحاب الامام علیه السلام، تارة بعنوان العام، و اخرى بعنوان باب من أبوابه).

۱۵. درباره وی ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۴۵۸.

۱۶. نسخه‌ای از کتاب اخیر در اختیار خطیب بغدادی (۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۹۶) نیز بوده و نقلی از آن آورده است. اهمیت نقل‌های اخیر در نشان دادن سبک کتاب *التاریخ* ابن عقده است. احتمالاً چند نقل قول آمده در ذیل شرح حال ابان بن تغلب که با همان سلسله اسناد از ابن عقده توسط نجاشی نقل شده، از اثر مذکور باشد. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱)

۱۷. محمد، فرزند ابورافع، نیز عالم و محدث ناموری بوده و راوی مهم آثار پدرش است. وی از امام باقر (ع) و کسان دیگری نقل روایت کرده است. (مزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۶، ص ۳۶) نام وی، گاه در طریق روایت پدرش به صورت محمد بن عبدالله بن علی بن ابی رافع آمده که نتیجه خلط میان او و عبدالله بن علی بن ابی رافع است که خطای رایج بوده است. (مغربی تمیمی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۱۶/ طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۷/ 28-29، v.1، p.28-29) محمد دفتری حدیثی داشته که روایاتی به نقل از آن در دست است. (برای فهرست نقل‌های مذکور ر.ک: Modarresi, vol.1, p.349-350) دفتر حدیثی او در میان شیعیان کوفه تداول داشته و نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۳۵۳) طریق روایت نسخه مذکور را به نقل از مشیخه هارون بن موسی تلکبری (متوفی ۳۸۵ ق) نقل کرده است. وی در مدینه ساکن بود و در سال ۱۵۷ درگذشت. (شیخ طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۷) در منابع رجالی اهل سنت، عموماً به دلیل گرایش‌های شیعی از او خرده گرفته شده و مورد جرح قرار گرفته است. (برای مثال ر.ک: ابن عدی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۲۱۲۵-۲۱۲۶/ مزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۶، ص ۳۷-۳۸) از نوادگان عبدالله بن ابی رافع، معاویه بن عبدالله بن عبدالله مدنی، از مشایخ ابن سعد بوده که مطالبی را به نقل از وی روایت کرده است. (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۳، ۴۹۴ و ۵۰۴؛ ج ۵، ص ۱۱۱؛ ج ۸، ص ۳۴، ۱۷۳ و ۱۹۲) شیخ طوسی (۱۴۱۵ق، ص ۳۰۳) همچنین از معاویه در ضمن اصحاب امام صادق (ع) یاد کرده است.

۱۸. مدرسی (v.1, p.27) اشاره دارد که روایت مذکور در اصل به نقل از علی (ع) است، اما بنا به قاعده‌ای که در میان اهل سنت وجود دارد، آن‌ها روایت صحابی را تقریر قول و فعل پیامبر می‌دانند. از این رو، گاه اقوال صحابه را به خود پیامبر (ص) منتسب می‌کرده‌اند و بر همین اساس، احتمالاً راویان بعدی خبر مذکور را به جای امام علی (ع) به پیامبر نسبت داده‌اند. (شافعی،

۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۲۸/ نیز طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۴)

۱۹. در سلسله اسناد تحریر اخیر، نام عمر بن محمد بن علی بن حسین ذکر شده است. نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۲۸) در شرح حال اسماعیل بن حکم رافعی که او را از نوادگان ابورافع معرفی کرده، گفته که او کتابی داشته و سلسله اسناد خود در نقل اثر مذکور را نقل کرده است. هرچند نقلی از متن اخیر در دست نیست و نجاشی، آغاز اثر مذکور را هم نیاورده، اما سلسله اسناد روایت متن، همان سلسله اسناد روایت خبر مفصلی درباره ابورافع است که نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۶۴) درباره ابورافع نقل کرده است. احتمال فراوانی وجود دارد که اثر مذکور، تحریری دیگر از کتاب السنن و الاحکام و القضایا ابورافع به همراه مطالبی تکمیلی توسط اسماعیل بن حکم رافعی بوده باشد.

۲۰. برای نقل‌هایی احتمالی از کتاب عبدالله بن ابی رافع ر.ک: Modarresi, v.1, p.29-32. فاطمیان، کتابخانه‌ای مفصل داشته‌اند و اکنون بر اساس کتاب الايضاح می‌دانیم که منابع زیدی و امامی در اختیار قاضی نعمان بوده که باید آن منابع را از همان کتابخانه فاطمیان اخذ کرده باشد. (ر.ک: امین فؤاد سید، ۱۴۱۹ق، ص ۷-۳۲)

۲۱. کتاب شرح الاحکام ابوالعباس حسنی در دست نیست، و نقل‌های اخیر در اثر شاگردش علی بن بلال آملی (متوفی قرن پنجم) که او نیز کتابی با عنوان شرح الاحکام تألیف کرده، آمده است. ر.ک: عجری، ۱۴۲۳ق، ص ۴۴-۴۵، ۱۵۱ (با تفاوت اندکی در سلسله سند)، ۳۳۸، ۳۵۶ (با تفاوتی در سلسله سند)، ۳۷۱، ۳۷۲ (روایت اخیر از کتاب القضایا عباد بن یعقوب رواجی است که مبتنی بر کتاب عبدالله بن ابی رافع بوده است) و ۴۱۳. روایات اخیر در فهرستی که مدرسی از روایات موجود کتاب عبدالله بن ابی رافع آورده، نیامده است.

۲۲. در فهرست احتمالی که مدرسی از مقولات کتاب اخیر ارائه کرده، به جز سه نقل آن هم در کتاب‌های غیر از کتب اربعه، نام هیچ یک از منابع و مصادر معتبر حدیثی شیعه به چشم نمی‌خورد.

۲۳. اثر دیگر مشهور عبدالله بن ابی رافع، کتاب تسمیه من شهد مع علی حروبه من المهاجرین و الانصار است (برای نام‌های مشابه کتاب با اختلافات اندکی ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۷۷/32، Modarresi, vol.1, p.32) که در آن عبدالله، فهرستی از صحابیانی که همراه با علی (ع) در سه نبرد جمل، صفین و نهروان حضور داشته‌اند، ارائه کرده است. (برای بحثی درباره کتاب تسمیه بنگرید به: Amikam, 2002, p. 272-273) مغربی (۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۶-۳۲) متن کامل اثر مذکور را در کتاب شرح الاخبار خود به صورت وجاده نقل کرده است. او اثر مذکور را به صورت وجاده و به روایت ابوعبدالله محمد بن سلام بن سیار کوفی که عالم زیدی بوده بدون

ذکر کامل سند نقل کرده است. (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۶) در تحریر مورد استفاده قاضی نعمان، عون بن عبدالله بن ابی رافع از پدرش درباره نام کسانی که همراه علی (ع) در نبردهایش بوده‌اند، پرسش کرده است و احتمالاً متن نیز توسط عون یا راوی که اثر مذکور را از وی روایت کرده، یعنی محمد بن عبدالله بن ابی رافع تدوین شده باشد. (ر.ک: طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۷۳ و ۲۷۶) این احتمال نیز هست که اثر مذکور تدوین دیگری نیز داشته که محمد بن عبدالله بن ابی رافع بعدها آن را تدوین کرده باشد، و خود، مطالب بیشتری را که از پدرش در خصوص مطالب مذکور شنیده، تألیف کرده و نسخه مذکور تحریر دیگری از متن باشد که طبرانی (همان، ج ۴، ص ۱۴، ۳۰، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۳ و ۲۱۷؛ ج ۵، ص ۳۵، ۶۰، ۶۹ و ۲۲۵) نوشته مذکور را در اختیار داشته و مطالبی از آن نقل کرده است (نیز ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۵۲۷ که مطلبی به واسطه طبرانی نقل کرده، اما در سلسله سند او نام محمد بن عبدالله بن ابی رافع افتاده است. مزی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۳۴۸) ابن عساکر (۱۴۱۵-۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۵۰۳) کتاب مذکور را به طریق کتاب و به چند طریق از ابوالغنائم محمد بن علی نرسی و طریق وی، عبدالله بن ابی رافع نقل کرده است. ظاهراً اثر مذکور در اختیار ابن اثیر بوده و وی در کتاب *السد الغابت* با عناوین مختلفی از اثر مذکور نقل قول کرده؛ هرچند احتمال دارد که نقل قول وی از کتاب مذکور به واسطه و شاید به واسطه نقل‌های آمده از کتاب مذکور در کتاب *المعجم الکبیر طبرانی* یا منبعی دیگر باشد. (ر.ک: Modarresi, v.1, p.32) ظاهراً متن در بعد توسط برخی روات کتاب تکمیل شده باشد. (ابن عساکر، ۱۴۱۵-۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۵۰۲ / Modarresi, v.1, p.32)

۲۴. شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق) تحریر کتاب به روایت عبدالرحمن بن ابی نجران از عاصم بن حمید از محمد بن قیس را در اختیار داشته و در روایات چندی از اثر مذکور را در کتاب *من لا یحضره الفقیه* نقل کرده است که موارد آن‌ها چنین است: ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴ (درباره پایان ماه رمضان با رؤیت هلال) و ۱۶۸-۱۶۹ (دو روایت دیگر در همان موضوع)؛ ج ۳، ص ۱۹، ۵۰ (عدم پذیرش شهادت برخی افراد)، ۱۰۹-۱۱۰، ۱۱۴، ۱۴۰ (درباره کنیز باردار)؛ ۲۲۲-۲۲۳ (فروش فرزندان کنیز)؛ ۲۲۸، ۲۸۳ (دو روایت)، ۳۱۲، ۴۲۵-۴۲۶ (سه روایت)، ۵۱۰-۵۱۱، ۵۴۴؛ ج ۴، ص ۲۴، ۶۳، ۱۳۳، ۱۷۲-۱۷۳ (دو روایت)، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۳، ۲۱۰، ۲۱۶، ۳۰۷ و ۳۴۲. کتاب *قضایای محمد بن قیس* مشتمل بر اضافاتی بوده که محمد بن قیس از امام باقر (ع) سماع کرده است. در خصوص موارد اخیر ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۸۳، ۳۰۸، ۴۱۴، ۴۲۰ و ۵۴۸؛ ج ۴، ص ۳۸، ۱۲۰، ۲۲۷، ۳۱۸، ۳۲۷-۳۲۸ و ۳۳۶.

عبدالله بن ابی رافع و کتاب السنن والاحکام والقضایا □ ۱۲۵

۲۵. در کتاب کافی، روایات‌هایی از کتاب بجلی آمده که به دو دسته قابل تقسیم است. بخش اعظم روایات نقل شده از کتاب مذکور با این آغاز است: «... و روی محمد بن قیس عن اُبی جعفر علیه السلام قال، قضی امیرالمؤمنین...» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۲۰۸، ۲۱۱، ۳۹۶، ۴۱۰، ۴۳۰ و ۴۸۴؛ ج ۶، ص ۱۱۴؛ ج ۷، ص ۱۳، ۱۳۵، ۱۴۵، ۱۷۷، ۲۰۶، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۶۴، ۲۸۴، ۲۸۶، ۳۰۷، ۳۱۷، ۳۶۷ و ۴۲۸) و برخی دیگر با عبارت «... محمد بن قیس عن اُبی جعفر علیه السلام قال: قال امیرالمؤمنین...» (همان، ج ۵، ص ۱۴۴، ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۳۵، ۲۴۰ و ۲۵۱؛ ج ۶، ص ۱۹۲، ۲۱۴ و ۵۵۲؛ ج ۷، ص ۱۱، ۲۳، ۱۸۳-۱۸۴، ۱۹۱، ۲۱۰، ۲۱۹) روایات‌های مذکور به وضوح باید همان متن کتاب عبدالله بن ابی رافع باشد.

۲۶. دیگر اثر شناخته شده محمد بن قیس بجلی، کتاب المسائل است (Modarresi, v.1, p.347) که به روایت حمید بن عاصم حناط بوده (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۹۳) و مشتمل بر پرسش‌های محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بوده است. (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۱۱۳ و ۴۴۳؛ ج ۶، ص ۶۳ و ۱۵۰؛ ج ۷، ص ۱۰/ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۴۸؛ ج ۴، ص ۳۸) نسخه‌ای از کتاب اخیر، به روایت احمد بن حسین خثعمی از عباد بن یعقوب رواجی که وی آن را از عبید فرزند بجلی روایت کرده، در اختیار قاضی نعمان بوده و از آن نقل قول کرده است (مغربی تمیمی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۲۹)؛ هرچند به نظر می‌رسد که نقل اخیر به واقع از کتاب القضایای محمد بن قیس باشد و ذکر کتاب المسائل، تصحیفی از سوی کاتب یا خطای از سوی قاضی نعمان در ذکر مأخذ خود بوده باشد، زیرا روایت نقل شده درباره نماز است، و به روایت امام علی علیه السلام است. (Madelung, 1976, p.37) ابن بابویه (۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۸۶) در بخش مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه خود، طریق خود را در روایات محمد بن قیس بجلی آورده که احتمالاً با توجه به ساختار روایات که بیشتر صورت پرسش و پاسخ یا حالت جواب دادن به پرسشی را دارد، باید برگرفته از کتاب المسائل بجلی باشد. روایات چندی از کتاب مذکور در منابع امامیه نیز موجود است. ظاهراً رواجی نیز کتابی به نام المسائل داشته (مغربی تمیمی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۳۴) که در آن، برخی مطالب کتاب المسائل محمد بن قیس بجلی را نقل کرده، و قاضی نعمان به واسطه اثر اخیر از کتاب بجلی نقل روایت کرده است.

۲۷. شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۳۸۷) از تألیفات محمد بن قیس به دفتری حدیثی یا اصل اشاره کرده، و طریق خود در روایت اثر مذکور را به واسطه فهرست ابن بَظه قمی ذکر کرده است. طریق مشهور دفتر حدیثی محمد بن قیس به روایت ابن ابی عمیر بوده است. (همان‌جا) روایات

مذکور در ضمن کتاب مسند محمد بن قیس البجلی گردآوری شده است. (نیز ر.ک: خویی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۱۶۸ و ۴۱۸-۴۱۰) هم عصر محمد بن قیس بجلی، چند محدث دیگر با همین نام شناخته شده‌اند که یکی از آنها یعنی ابونصر محمد بن قیس اسدی والبی از اشراف عرب کوفه بوده، و روابط بسیار نزدیکی با عمر بن عبدالعزیز و پس از او یزید بن عبدالملک داشته است. وی نیز از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل روایت کرده است. وی کتابی به نام *قضا یا امیرالمؤمنین* داشته که نجاشی (۴۰۷ق، ص ۳۲۳) اثر وی را نزدیک به کتاب *قضایای محمد بن قیس بجلی* دانسته که نشانگر آن است که در صورت صحت انتساب اثر اخیر به والبی، هر دو منبع در تألیف کتاب خود از کتاب عبیدالله بن ابی رافع بهره برده‌اند. نجاشی (ص ۳۲۳) از ابوعبدالله محمد بن قیس اسدی دیگری که از موالی بنی نصر بوده، یاد کرده و او را ستوده و مدح کرده است. شیخ طوسی (۴۱۵ق، ص ۲۹۳) از محمد بن قیس اسدی یاد کرده و او را ستوده، اما اثری را به وی نسبت نداده است که با توجه به شهرت کتاب *القضا یا* و اهمیت آن، باعث تردید در تألیف کتابی با این عنوان توسط محمد بن قیس اسدی است. نجاشی (همان‌جا) از فردی دیگر به نام ابواحمد محمد بن قیس اسدی یاد کرده، و او را فردی ضعیف خوانده، و گفته که وی از امام باقر (ع) نقل روایت کرده، و طریق خود را در نقل دفتر حدیثی وی ذکر کرده است. شیخ طوسی (۴۱۵ق، ص ۲۹۳) از چند محمد بن قیس دیگر هم نام برده است که احتمال خلط میان آنها و افراد پیش گفته وجود دارد، و یک تن آنها که شیخ طوسی برای وی کنیه ابوقدame را ذکر کرده، همان محمد بن قیس والبی است، و احتمالاً دیگر افراد مذکور نیز همان محمد بن قیس والبی باشند (مزی، ۴۲۲ق، ج ۲۶، ص ۳۱۸) که به دلیل مبهم بودن منبعی که شیخ طوسی در دست داشته، به همان صورت آمده در منبع او ذکر شده است. اشتباه مشابهی را نجاشی (۴۰۷ق، ص ۳۲۲-۳۲۳) مرتکب شده، و محمد بن قیس اسدی را با محمد بن قیس مدینی بر اساس اشتباه منبعی که در اختیار داشته، خلط کرده و مطالب مربوط به شرح حال مدینی را به اسدی نسبت داده است. (Modarresi, v.1, p.346, no.92) مدرسی (Modarresi, v.1, p.346, no.91) معتقد است که عالمان امامی تنها محمد بن قیس بجلی را می‌شناخته و هیچ‌گاه از محمد بن قیس والبی نقل روایت نکرده‌اند. با این حال، روایات محمد بن قیس والبی از امام علی (ع) به اسناد سنی بوده و باعث شده تا نجاشی یا منبع او کتاب *قضا یا* را به وی نسبت دهند، و در واقع تنها یک کتاب به نام *قضا یا امیرالمؤمنین* وجود داشته که تألیف محمد بن قیس بجلی بوده، و بعدها به دلیل خطا در شناخت هویت واقعی او، به خطا کتاب مذکور به محمد بن قیس والبی نیز نسبت

عبيدالله بن ابي رافع و كتاب السنن والاحكام والقضايا □ ۱۲۷

داده شده که نجاشی تصریح دارد دو نسخه مذکور تقریباً یکسان بوده‌اند. آنچه گمان اخیر را تأیید می‌کند، عدم اشاره منابع رجالی اهل سنت به نگارش چنین کتابی توسط محمد بن قیس والبی است. (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۳۶۱/مزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۶، ص ۳۱۹)

۲۸. ابوبکر احمد بن عبدالله بن احمد بن جُلین دوری وراق از عالمان امامی ساکن بغداد است. خطیب بغدادی (۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۳۸۶-۳۸۷) شرح حال او را آورده و گفته که او به رفض مشهور بوده است (و کان رافضیاً مشهوراً بذلک). او در سال ۲۹۹ به دنیا آمده و در رمضان ۳۷۹ درگذشته است. وی از مشایخ سنی که فهرستی از نام آن‌ها را خطیب بغدادی (همان، ج ۵، ص ۳۸۶) آورده، نیز نقل حدیث کرده است. شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۷۷) شرح حال او را آورده و تصریح کرده که او امامی بوده و کتابی درباره طرق روایت حدیث رد الشمس داشته است. نام وی در طرق روایات برخی از آثار امامیه خاصه در فهرست ابن عبدون به کرات آمده است.

۲۹. این جمله معترضه، اضافه خطیب بغدادی است. در سنت شیعی، لقب امیرالمؤمنین از القاب خاص علی بن ابیطالب علیه السلام است.

۳۰. شیخ طوسی (همان، ص ۳۰۸-۳۰۹) در ذیل شرح حال عبید بن محمد بن قیس بجلی آورده که او کتابی داشته که از پدرش روایت می‌کرده است. هرچند شیخ طوسی تصریحی به نام کتاب نکرده، کتاب مورد بحث همان کتاب *القضایا* بوده است. شیخ طوسی (همان، ص ۳۰۸) طریق روایت کتاب مذکور را نقل کرده که در ضمن آن گفته شده که محمد بن قیس بجلی کتاب را بر امام باقر علیه السلام عرضه کرده و حضرت، این مطلب که مطالب مذکور به روایت امام علی علیه السلام را تأیید کرده‌اند، و عبارت آغازین کتاب در ادامه نقل شده که همان عبارت آغازین کتاب *السنن و الاحکام و القضایا* عبيدالله بن ابي رافع است که نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۶) به آن اشاره کرده است.

منابع

۱. آل مکباس، محمد عیسی؛ «کتاب الحج تصنیف المحدث معاویة بن عمار الدهنی (نسخة مستخرجة)»؛ *علوم الحديث*، سال یازدهم، رجب- ذی الحجة ۱۴۲۸ق.
۲. همو؛ «کتاب الحج»؛ *علوم الحديث*، سال دوازدهم، رجب- ذی الحجة ۱۴۲۹ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.

- ۱۲۸ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱
۴. _____؛ *الامالی*؛ تحقیق قسم الدارسات الاسلامیه مؤسسه البعثة (قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ق).
۵. _____؛ *علل الشرايع*؛ چاپ محمدصادق بحر العلوم، نجف: منشورات المكتبة الحيدريه، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۶م.
۶. ابن ابی الحديد؛ *شرح نهج البلاغه*؛ چاپ محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره: دار احیاء الكتب العربيه، ۱۳۸۵-۱۳۸۷ / ۱۹۶۵-۱۹۶۷.
۷. ابن سعد؛ *الطبقات الكبرى*؛ تحقیق احسان عباس، بيروت، دار صادر، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ *تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليهم*؛ تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش/ ۱۴۰۴ق.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ *معالم العلماء*؛ نجف: منشورات المطبعة الحيدريه، ۱۳۸۰ق/ ۱۹۶۱م.
۱۰. ابن عساکر؛ *تاريخ مدينة دمشق*؛ تحقیق علی شیری، بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۵-۱۴۲۱ق/ ۱۹۹۵-۲۰۰۱م.
۱۱. ابن عدی، عبدالله بن عدی؛ *الکامل فی ضعفاء الرجال*؛ تحقیق سهیل زکار، بيروت: دارالفکر، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
۱۲. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم؛ *المعارف*؛ حقه و قدم له ثروت عکاشه، قاهره: دار المعارف، ۱۹۸۱م.
۱۳. ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر؛ *تفسير القرآن العظيم*؛ تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م.
۱۴. ابن ماکولا، علی بن هبة الله؛ *الاکمال فی رفع الارتياب عن المؤلف و المختلف فی الأسماء و الکنی و الأنساب*؛ تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلمی یمانی، حیدرآباد دکن: دار المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ق/ ۱۹۶۲م.
۱۵. أیمن فؤاد سید، «خزانة كتب الفاطميين هل بقي منها شيء؟»، *مجلة معهد المخطوطات العربية*، المجلد ۴۲، الجزء الاول، محرم ۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۸م.
۱۶. برقی، احمد بن محمد؛ *كتاب الرجال*؛ تحقیق سید کاظم موسوی میاموی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.

۱۷. _____؛ کتاب المحاسن؛ تحقیق سید جلال الدین محدث ارموی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ / ۱۳۳۰ ش.
۱۸. حسینی جلالی، سید محمدرضا؛ تدوین السنة الشریفه؛ قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الاسلامی، ۱۳۷۶ ش / ۱۴۱۸ ق.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ تحقیق مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹-۱۴۱۲ ق.
۲۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ تاریخ مدینه السلام و اخبار محدثیها و ذکر قطانها العلماء من غیر اهلها و واردیها؛ حققه و ضبط نصه، و علق علیه الدكتور بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م.
۲۱. _____؛ کتاب تلخیص المتشابه فی الرسم و حمایه ما أشکل منه عن بواذر التصحیف و الوهم؛ تحقیق سکیه شهابی، دمشق: طلاسدار للدراسات و الترجمة و النشر، ۱۹۸۵ م.
۲۲. خویی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث؛ بیروت: دار الزهراء، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۲۳. سید رضی، محمد بن حسین؛ خصائص الاثمه علیهم السلام؛ تحقیق محمد هادی امینی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ق.
۲۴. شوشتری، محمد تقی؛ قاموس الرجال؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ ق.
۲۵. شافعی، محمد بن ادريس؛ الام؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۲۶. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الکبیر؛ تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی، بی جا: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن؛ رجال الطوسی؛ چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۲۸. _____؛ فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و الصحاب الاصول؛ چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۲۰ ق.
۲۹. _____؛ تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه؛ چاپ حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۳۰. عجری، محمد بن حسن؛ اعلام الاعلام بادلته الأحکام؛ أعده للطبع و قدم له عبدالله بن حمود عزی، صعده: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م.

- ۱۳۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الكافی*؛ تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۲. مزی، یوسف بن عبدالرحمن؛ *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*؛ حقه، و ضبط نصه و علق علیه بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۲م.
۳۳. مفید، محمد بن محمد؛ *جوابات اهل الموصول فی العدد و الرؤیة*؛ سلسله مؤلفات الشیخ المفید، تحقیق مهدی نجف، بیروت: دار المفید لطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.
۳۴. مغربی تمیمی، قاضی نعمان بن محمد؛ *الایضاح*؛ تقدیم و إعداد محمد کاظم رحمتی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۸ق/ ۲۰۰۷م.
۳۵. ———؛ *شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الطهار*؛ تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۳۶. نجاشی، احمد بن علی؛ *فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی*؛ تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
37. Amikam Elad, "Community of Belivers of 'Holy Men' and 'Saints' or Community of Muslims? The Rise and Development of Early Muslim Historiography" *Journal of Semitic Studies* Xlvii, 1(2002), pp.241-308.
38. Conrad, L. I; "Recovering lost texts: some methodological issues" *Journal of the American Oriental Society* 113 ii, 1993, pp.258-263.
39. Madelung, Wilferd; "The sources of Isma'ili law," *Journal of Near Eastern Studies* 35(1976), pp.29-40.
40. Modarresi, Hossein; *Tradition and Survival: A Bibliographical Survey of Early Shiite Literature*; One World, Oxford, 2003.
41. Schoeler, Gregor; *The Genesis of Literature in Islam From the Aural to Read*; Tr., Shawkat M. Toorawa, Edinburgh, Edinburgh University Press, 2009.